



از پیوند عزت تا جهاد تبیین در بیانات رهبر شهید انقلاب

زن مأموریت‌گرا در جهان پس از او

دکتر ناهید طیبی
کارشناس تاریخ اسلام



مریم احمدی تنها سوگ یک رهبر یا داغ یک فرمانده نیست که این روزها در دل‌ها سنگینی می‌کند؛ برای بسیاری، فقدان او یعنی گسست از حقیقتی که هم‌زمان عارف، سیاست‌مدار، اندیشمند و معلم عزت بود. دکتر ناهید طیبی، کارشناس تاریخ اسلام، وقتی از او سخن می‌گوید، عزت‌رانه یک احساس فردی، که یک «نظام معنایی» می‌بیند که در جان این رهبر شهید مجسم شده و حالا باید در زیست تک‌تک ما - به‌ویژه زنان مسلمان - تکرار شود. از واژه‌های خاصی که او به زبان آورد و جهان سیاست و اندیشه را با آن‌ها صورت‌بندی کرد، تا سادگی حیرت‌آورش در سبک زندگی، از «الگوی سوم زن» و «نرمش قهرمانانه» تا تأکید بر «زن مأموریت‌گرا» و «روایت صادق»، طیبی تلاش می‌کند نشان دهد عزت در این منظومه، چگونه هم‌زمان یک مفهوم قرآنی، یک راهبرد سیاسی و یک برنامه زندگی است. در این گفت‌وگو، او از عمق این عزت، نسبتش با شهادت رهبر و مسئولیت زن مؤمن در روزهای پس از او سخن می‌گوید؛ خواندن این روایت دقیق و صریح، می‌تواند برای هر زنی که می‌خواهد بداند «بعد از او چه باید کرد»، نقطه شروع یک تصمیم تازه باشد.

«عزت»، ستون خیمه اندیشه رهبری

دکتر طیبی در ابتدا با بیان اینکه فقدان رهبر شهید معظم انقلاب، فراتر از یک سوگ شخصی یا سیاسی، ضربه‌ای عمیق به حقیقت وجودی جامعه و آرمان‌های آن بوده است، توضیح می‌دهد: این فقدان، که شاید در عمق خود با فقدان امام خمینی (ره) یا حتی در ابعادی عظیم‌تر قابل قیاس باشد، نیازمند بازخوانی و درک عمیق‌تر از شخصیت چندوجهی ایشان است. در این میان، مفهوم «عزت» به عنوان یکی از ستون‌های اصلی اندیشه و سیره رهبر شهید، خودنمایی می‌کند؛ مفهومی که در تاریخ و روایت کلام و عمل ایشان تنیده شده و گویی تجسم عینی آن در شخصیت ایشان رخ نموده بود. این تأکید مکرر بر عزت، که ریشه در آیات الهی و روایات دارد، تصویری روشن از هدایتگری را ترسیم می‌کند که جامعه را به سمت تعالی و کرامت انسانی رهنمون می‌ساخت.

او یادآور می‌شود: در چنین بستری، بازخوانی اندیشه‌های این شخصیت برجسته، ما را به سوی مفاهیم کلیدی هدایت می‌کند؛ از جمله مفهوم «زن مأموریت‌گرا» و «الگوی سوم زن» که نقطه مقابل الگوهای رایج و کلیشه‌ای زنانه قرار می‌گیرد. این الگو، زنی را ترسیم می‌کند که نه در چارچوب نگاه ابراری غرب و نه در حصار سنت‌های دست‌وپاگیر، بلکه با تکیه بر هویت اصیل انسانی و رسالت الهی خویش، نقشی فعال و مأموریت‌گرایانه در جامعه ایفا می‌کند. جهاد تبیین و روایت صادقانه، از جمله عرصه‌هایی است که این زن تراز انقلاب می‌تواند در آن بدرخشد و با سلاح بصیرت و آگاهی، مسیر حق را روشن سازد.

عزتمندی در لغت و قرآن؛ از «أرض عزاز» تا «عزت مؤمنان»

مدیردانشنامه‌زن مسلمان پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهراء (س) توضیح می‌دهد: در زبان عربی، عزت به حالتی گفته می‌شود که شکست را از انسان دفع می‌کند؛ ترکیبی از شرافت، شکست‌ناپذیری و ستم‌ناپذیری. مثال می‌آورد که عرب به زمینی که سخت و نفوذناپذیر باشد، «أرض عزاز» می‌گوید؛ زمینی که چیزی به آسانی در آن فرو نمی‌رود. از نظر او، همین تصویر را می‌توان در مواضع رهبر شهید در چند دهه رهبری دید؛ مواضعی که در برابر نظام سلطه، مذاکره‌های تحقیرآمیز و فشارهای بیرونی، نفوذناپذیر باقی ماندند. او در ادامه، به آیات قرآن اشاره می‌کند؛ جایی که نزدیک به نود بار مشتقات «عزت» آمده است و یادآوری می‌کند: بخش عمده این موارد، عزت مثبت و الهی را نشان می‌دهد؛ از «إِنَّ تَبَتُّعُوا الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» تا «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ

وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ». قرآن، عزت‌رانه یک امتیاز طبقاتی یا محصول پیوستن به قدرت‌های دنیا، بلکه سرمایه‌ای می‌داند که در نسبت با خدا، رسول و مؤمنان تعریف می‌شود و منافقان از درک آن عاجزند.

عزتمندی نه در کاخ‌ها در طاعت خدا

اما این عزت قرآنی در ساحت عمل چگونه به دست می‌آید؟ مدیر گروه تاریخ پژوهشگاه در پاسخ به یک حدیث قدسی اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: در منطق دینی، سرچشمه عزت نه در قدرت‌های زمینی، بلکه در بندگی خداوند قرار دارد؛ همان‌گونه که در روایت آمده است که خداوند می‌فرماید: «إِنِّي وَضَعْتُ الْعِزَّةَ فِي طَاعَتِي وَالنَّاسَ يَطْلُبُونَهَا فِي أَبْوَابِ السَّلَاطِينِ؛ فَمَتَى يَجِدُونَهَا؛ مَنْ عَزَّتْ رَأْسَهُ دَرِ طَاعَتِ خَوْشِ قَرَارِ دَادِمِ أَمَّا مَرْدَمُ أَنْ رَأَى دَرِ بَارِ وَكَأَخِ هَای پادشاهان جست‌وجوی می‌کنند. پس چه زمان آن را خواهید یافت؟». بسیاری از انسان‌ها برای دست‌یافتن به عزت، راه در خانه صاحبان قدرت و ثروت را در پیش می‌گیرند، در حالی که این مسیر سرانجامی جز وابستگی و خواری ندارد؛ چرا که عزت از کسی طلب می‌شود که خود مالک آن نیست. این روایت در واقع منطق عزت‌طلبی انسان را اصلاح می‌کند و جهت آن را از اتکال به قدرت‌های موقت به سوی اتصال به منبع حقیقی عزت تغییر می‌دهد. بر همین اساس، مجموعه‌ای از مؤلفه‌های عزت در قرآن و روایات مورد توجه قرار می‌گیرد؛ اطاعت از خداوند، پایبندی به ارزش‌های اسلامی - نه صرفاً هنجارهای متغیر اجتماعی - تقوا، قناعت، صبر و توکل.

به تعبیر او، انسانی که روحیه قناعت دارد در برابر تهدید و تطمیع سرخم نمی‌کند و کسی که توکل به خدا و معیارهای ثابت الهی را مبنا قرار داده، حاضر نیست عزت خود را به بهای محبوبیت‌های گذرا یا منافع کوتاه‌مدت معامله کند. آثار چنین عزتی در رفتار اجتماعی نیز آشکار می‌شود؛ روحیه طاغوت‌ستیزی و مقابله با ظلم، استقلال و اعتماد به نفس و توان اثرگذاری بر دیگران به جای آنکه منفعلانه از آنان اثر بپذیرد.

رهبر شهید؛ آغاز حقیقتی که شهادت پایانش نبود

این مفهوم عزت چگونه در شخصیت رهبر شهید تجسم پیدا می‌کند و تفاوت او با دیگر رهبران در چه بود؟ این کارشناس دینی در توضیح می‌گوید: برخی متفکران سیاسی مانند فوکویاما معتقدند دیکتاتورها و حاکمان قدرت محور با مرگشان پایان می‌یابند؛ زیرا موجودیت آنان به قدرت و سلطه گره خورده است. اما در باره رهبران معنوی و الهی، ماجرا متفاوت است. آنان با شهادت نه تنها پایان